

استدلالاتی که قبلاً عرض شد حاکی به-مین مطلب است .
 رئیس - اگر امشب در این پیشنهاد رای بگیریم رای قطعی نخواهد بود در قابل توجه بودن آن رای خواهیم گرفت حالاً مذاکره کافی است یا کافی نیست ؟

حاج امام جمعه - چه عیب دارد ارجاع بفرمائید بکمیسیون که نماینده وزارت هم بیاید و در اینجا مذاکره شود

رئیس - این پیشنهاد با همان پیشنهادیکه آقای مخبر و نظام السلطان و جمعی دیگر امضاء کرده اند میفرستیم بکمیسیون و امشب در کلیات رای میگیریم آن ماده الحاقیه که آقای مخبر و سردار معظم و سلیمان میرزا و حاج عزالممالک پیشنهاد کرده بودند و رای دادیم چون بعد از ماده دهم است ماده یازدهم خواهد شد و ماده هفدهم هیچدهم می شود آقایانیکه این قانون قشون گیری را که دوشور شده و مشتمل بر هیجده ماده است و مواد آن را يك يك تصویب فرموده اند بطور کلی تصویب میفرمایند قیام نمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد عجلتاً قانونی که حاضر باشد و جزء دستور بگذاریم غیر از تشکیلات وزارت جنگ چیز دیگری نیست ولی قوانین خیلی مهم دیگری در کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون بودجه هست از اعضاء کمیسیون قوانین مالیه و کمیسیون بودجه خواهش میشود که مرتباً جلسات خود را منعقد کنند و آن قوانین را هر چه زودتر بمجلس بفرستند قانون فروش قراولخانه هارا هم که اینقدر اصرار کردند بمجلس فرستاده شود فرستاده اند ولی مدتی است در کمیسیون مانده است و چون اهمیت دارد خوبست زودتر راپورتش را بمجلس بدهند

نظام السلطان چون فرمودند غیر از قانون تشکیلات وزارت جنگ چیز دیگری حاضر نیست عرض میکنم بنده قانون ترفیع رتبه نظامی داخلی مهم میدانم و عرض میکنم بقای نظام و ثبت آن بسته به قانون ترفیع رتبه نظامی و اگر این قانون ترفیع رتبه بمجلس میآید و بگذرد تمام این بیانات راجع به نظام روی کاغذ خواهد بود و این قانون بی نتیجه خواهد ماند .

سردار معظم - چون فرمودند قوانین مهمی بکمیسیون قوانین مالیه ارجاع شده و تا کید فرمودند زودتر راپورت داده شود اجازه میخواهم توضیحاً عرض کنم که قانونی در کمیسیون قوانین مالیه نیست سه فقره قانون بکمیسیون قوانین مالیه رجوع شد یکی قانون تبدیل مالیات خالصه جات انتقالی باربایی و یکی قانون فروش خالصجات و دیگری قانون استقراض داخلی قانون فروش خالصجات و استقراض داخلی موکول باین شد که دولت محل خرج این دو قانون را بکمیسیون پیشنهاد کند تا کمیسیون بتواند در این قانون رای بدهد و چون تا بحال از طرف دولت پیشنهادی نشده است کمیسیون نمیتواند داخل در مباحثه آن دو فقره قانون بشود و اگر مجلس منتظر است این دو فقره قانون بمجلس بیاید لازم است از طرف هیئت رئیسه تا کیدی بدولت شود که مطابق قرار داد رفتار نمایند قانون تبدیل مالیات خالصجات انتقالی هم از طرف دولت تقاضا شد مسکوت فیه بماند برای اینکه يك بصورت مبسوطتری

از خالصجات که فروخته شده و صورتی از مالیات آنها بدهید که کمیسیون از روی بصیرت بتواند اظهار عقیده کند در این باب هم لازم است امر بفرمایند بدولت تا کید شود و آن دو صورت را زودتر بفرستند چیزهای دیگری هم که به کمیسیون رجوع شده بود یکی نظامنامه استخدام بود به مناسبت قانون تشکیلات مالیه بمجلس فرستاده بودند و یکی دیگر هم بعضی نظامنامهها راجع به تعدید تریاک بود و چون اینها مربوط به کمیسیون نیست کمیسیون مصمم شده است پس بفرستد و بنظر خود دولت واگذار کند .

رئیس - عجلتاً چیزی را که بتوانیم جزو دستور قرار دهیم قانون تشکیلات وزارت جنگ است چند فقره تقاضای مرخصی هم شده است باید رای بگیریم آقای شریعتمدار برای اینکه مریضخانه بروند تقاضای بیست روز مرخصی کرده اند و آقای خان باباخان تقاضای یازده روز و آقای میرزا محمد نجات سه ماهه مرخصی خواسته رای میگیریم آقایانیکه مرخصی بیست روزه آقای شریعتمدار را تصویب میفرمایند قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه مرخصی ۱۰ روزه آقای بابا خان را تصویب میفرمایند قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد - آقایانیکه مرخصی سه ماهه آقای میرزا محمد نجات را تصویب میکنند قیام فرمایند .

(ممدودی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد .

عماد السلطنه - پس از انتخاباتی که برای حاضر شدن بودجهها شد عجلتاً سه چهار فقره بودجه در کمیسیون حاضر شده است و متأسفانه آقایان با هیچ حاضر نمیشوند یا خیلی دیر حاضر میشوند و تمام بودجهها بهمه تمویق افتاده است و جای بسی تأسف است که آقایان این امر مهم را مورد دقت قرار نمیدهند خوب است يك تا کیدی بفرمایند که آقایان در موقع انعقاد کمیسیون حاضر شوند و این بودجهها زودتر تمام شود .

رئیس - چون آقای رئیس کمیسیون حاضر نیستند البته برای جلسه آتیه جواش را تهیه نموده و میگویند جلسه آتیه روز پنجشنبه دو ساعت قبل از غروب دستور هم قانون تشکیلات وزارت جنگ خواهد بود .

(مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد)

جلسه ۷۹

صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۵ ذی حجه الحرام ۱۳۲۳

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه بیست و سیم ذی حجه قراقت شد

غائبین با اجازه

غائبین بی اجازه

رئیس - آقایان صدر الملک و آقای دکتر لقمان با اجازه غائب بوده اند تصحیح خواهد شد ملاحظات دیگری در صورت مجلس هست ؟

سردار معظم - در صورت مجلس نوشته شده است که در جلسه گذشته بنده عرض کرده ام قانون

تبدیل مالیات خالصجات انتقالی را وزارت مالیه پس گرفته است باید بوزارت مالیه تا کید شود که دوباره پس بفرستند بنده اینطور عرض نکردم عرض کردم قانون تبدیل مالیات در کمیسیون است و کمیسیون منتظر این است وزارت مالیه يك صورت مشروحی از خالصجاتی که فروخته شده است مبسوطاً بمجلس بفرستند عرض نکردم وزارت مالیه پس گرفته است يك مبحث دیگر که اینجا نوشته شده است این است که قانون استخدام بمجلس خواهد آمد خیر اینطور نیست زیرا لایحه قانونی نیست که بمجلس بیاید نظام نامه استخدام است و بمجلس هیچ مربوط نیست و بمجلس هم نخواهد آمد

رئیس - اصلاح میشود دیگر ایرادی نیست؟ (اظهاری نشد) دستور امروز اولشور در قانون تشکیلات وزارت جنگ و ثانیاً انتخاب کسری کمیسیون ها ولی چون آقایان پس از ختم جلسه فراموشی کنند انتخاب کنند اگر مخالفی نباشد قبلاً شروع کنیم بانتهای کسری اعضاء کمیسیونها آنها در خارج دو نفر نظار معین میشوند در خارج شروع بانتهای میشود (در اینصورت آقای میرزا اسدالله خان استقراض نمود

و آقایان رفعت الدوله و مرآت السلطان)

(بحکم قرعه برای استخراج آراء معین گردیدند)
رئیس - آقایان رفعت الله و مرآت السلطان برای گرفتن آراء بخارج تشریف ببرند کسری اعضاء هم ارجحی است که عرض میکنم بکنفر برای کمیسیون عدلیه بجای آقا سیدفاضل که در سه کمیسیون بوده اند و از کمیسیون عدلیه استمفاد داده اند بکنفر هم بجای آقای شیخ محمد جواد برای کمیسیون راجع بخزانهداری يك عضو هم برای کمیسیون خارجه بجای آقا میرزا محمد علیخان بکنفر دیگر هم بجای آقای امزاز السلطنه برای عضویت کمیسیون قوانین مالیه

سردار معظم - نظر باینکه اعضاء کمیسیون رسیدگی بحساب خزانه داری مکرر انتخاب شده است و مکرر اعضاء آن استمفا داده اند باز حالا اگر بکنفر بی جهت انتخاب کنند و باز استمفا کند بالاخره این استمفا یادر ضمن جریان امر سبب میشود که خود مقصود از میان میرود آیا بهتر نیست که هر يك از نمایندگان که خودشان هم داوطلب هستند اعلان کنند که سایرین هم آنها را انتخاب کنند و هر روز مسئله استمفا نباشد ؟

رئیس - مذاکره در کلیات قانون تشکیلات وزارت جنگ است خوب است آقایان اعضاء کمیسیون نظام تشریف بیاورند در ردیف اول بنشینند در کلیات این قانون مخالفی هست یا نیست ؟ (اظهاری نشد) معلوم میشود مخالفی نیست رای میگیریم داخل در شور مواد بشویم یا نه ؟ آقایانیکه تصویب میکنند داخل در شور مواد شویم قیام نمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد در ضمن شور قانون آقایان برای انتخاب اعضاء کمیسیون بخارج تشریف خواهند برد ولی یکدفعه تشریف نبرند که همه برای مذاکرات کافی نباشد ماده اول قرائت میشود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)

ماده اول - وزارت جنگ به تقسیمات ذیل منقسم میگردد .

(۱) دایره وزراتی کابینه وزیر منسحب بدوشبه میشود ، شبهه تحریری به شبهه پرسنل .

(۲) اداره نظام عبارت است از : مکاتب

نظامی - تعلیمات عمومی از نوبخانه - پیاده نظام
سواره نظام .

(۳) اداره مهمات باشعبات ذیل . قور خانه
ذخیره - تدارکات - اداره محاسبات دارای دوشعبه
است شعبه محاسبات - شعبه خزانه نظام ۵ اداره صحبه
منشعب بدو شمه میشود - شمه مریضخانهها - شعبه
دواخانههای نظامی ۶ محاکمات نظامی .

رئیس - آقای سردار معظم در ماده اول
مخالف هستید ؟

سردار معظم - بلی يك قسمت از اشکالات
بنده اصلاح عبارتی است که در واقع مربوط بماده
نیست يك قسمتش مربوط بمعنی ماده است و يك قسمت
هم مربوط است بعمضی شعبیکه دراینماده ذکر شده
بعقیده بنده بهتر این بود که بعد از گذشتن اینقانون
از مجلس نام تشکیلات وزارت جنك مطابق اینقانون
باشد و آنچه خارج از این تشکیلات باشد دیگر
قانونی نباشد پس بهتر این بود که در ماده اول مینوشتند
(تقسیمات مرکزی وزارت جنك) بجهت اینکه ممکن
است وزارت جنك در ولایات تشکیلاتی داشته باشد
که در این قانون پیشبینی نشده است دیگر اینکه در
ضمن دایره وزارتت يك چیزی حذف شده است و آن
وزیر جنك و معاون وزیر جنك است باید دانست که
در کدام يك از تقسیمات وزارت جنك وزیر جنك و
معاونش معین میشود پس معلوم است که در قانون
تشکیلات وزارت جنك وزیر و معاون لازم نیست والا همانقدر
که در قانون تشکیلات وزارت مالیه و قانون وزارت
معارف که از مجلس گذشت وزیر و معاون وزیر راه در دایره
وزارتی قید کرده اینجاهم خوب بود بقیده میکردند که دایره
وزارتی مرکب است از وزیر و معاون یا مدیر کل و
کابینه وزیر و آنوقت ممکن بود در ضمن تقسیمات
خصوصی کابینه شعبه تحریریه و غیره داشته باشد و از
این نقطه نظر باید این مسئله اصلاح شود و دیگر
اینکه در این ماده تقسیمات کلی و جزئی مخلوط شده است
و بعقیده بنده اگر ای تقسیمات کلی يك ماده بخصوصی
نوشته میشود و برای تقسیمات خصوصی يك ماده دیگری
تخصیص میشود خیلی بهتر و روان تر بود مثلاً وقتی
بماده اول رجوع میکردیم تقسیمات کلی وزارت جنك
را میدیدیم یعنی نوشته میشود ماده اول عبارت است
از دایره وزارتت و اداره نظام و اداره مهمات و اداره
محاسبات و صحبه نظام و محاکمات و غیره آنوقت یکماده
دیگر بطور ماده الحاقیه نوشته میشود و در ضمن آن
ماده تقسیمات جزئی هر يك از آن ادارات را ذکر میکرد
پس اینطلب هم بعقیده بنده باید اصلاح شود يك مسئله
دیگر این است که فقره پنجم منشعب بدو شعبه بنده
است شعبه مریضخانه ها و شعبه دواخانهها و بعقیده بنده
این تقسیم هم خوب نیست بجهت اینکه حالا نمی شود
گفت که دایره صحبه نظام فقط منحصر بمریض خانهها
و دواخانهها است بنا بر این خوب است چیزی معین
بکنم و بنویسم صحبه نظام حالا میخواهد اداره صحبه
باشد میخواهد دایره صحبه باشد دیگر لازم نیست آنرا
تقسیم کنیم و در قانون بنویسیم شعبه مریض خانه ها
و شعبه دواخانهها و بعقیده بنده گویا در قانون اساسی
يك وزارت خانه صحیح نباشد اینطور تقسیمات بکنیم
این تقسیمات را باید برای موقع عمل گذاشت بنا بر این
يك پیشنهادی کرده ام که این نظریات در اینجا ذکر
شده است و ماده اول تقسیم به دو ماده می کنند این است
که تقدیم مقام ریاست میکنم .

مدحت السلطنه اینکه شعبه خزانه نظام را
جزو محاسبات نظام گذاشته اند بعقیده بنده بایستی
همیشه شعبه محاسبات از خزانه مستثنی باشد برای اینکه
یول و برات هر دو بدست یکنفر شاید صحیح نباشد باید
یول در دست یکی باشد و حساب در دست یکنفر دیگر
که او حواله بدهد و دیگری بپردازد تا در موقع تفتیش
و کنترل بهتر بشود آنرا اداره کرد .

معاون وزارت جنك - معاملات نقدی همه جا
جزو قسمت محاسبات است ولی تدارک جنس و ملزومات
واصلحه و ملبوس و غیره مربوط به قسمت تدارکات است
اما محاسبه نقدی بیشتر مربوط بمحاسبات است وزارت
جنك هم این نکته را دقت کرده و اینطور پیشنهاد
کرده است زیرا آن کسی که خزانه دار نظام است
مستقیماً مسئول شخص وزیر جنك است و از يك شاهی تا
صد هزار تومان بدون اجازه وزیر جنك تأدیبه نخواهد
کرد ولی از طرفی روز بروز باید حسابش بمحاسبات
بپردازد در اینصورت اگر مربوط بمحاسبات باشد
سهل تر است زیرا اگر این را به تدارکات واگذار
میکردیم گمان میکنم يك کسی که خودش یول داشته
باشد و خودش هم ملزومات رانیه کند صورت معقولی
نخواهد داشت و اداره محاسبات بمحاسبه هر دو رسیدگی
خواهد نمود و همان نظر به که در اینجا ملحوظ است
در اینجا هم ملحوظ خواهد بود .

حاج شیخ محمد حسن گروسی - در فقره
سیم از ماده مذکور است اداره مهمات باشعبات ذیل
قورخانه ذخیره تدارکات بنده تصور میکنم تشکیل
اداره مهمات از همین شعبات است نه چیزی که مغایر با
اینها باشد اگر مقصود این است حق عبارت این بود که
مثل اداره محاسبات که نوشته شده است دارای دوشعبه
است اینجاهم مینوشتند اداره مهمات دارای شعبات ذیل
است و اگر مقصود غیر از این است و اداره مهمات با
شعباتی که ذکر شده جدا است این را هم توضیح
بفرمائید که معلوم شود .

سردار سعید مخیر کمیسون نظام - خوب
است مقرر فرمایند در ماده اول فقره بقدره مذاکره
شود که مذاکره هر کدام در موقع خودش بشود چون
یکی از آقایان در فقره اول مذاکره میکنند و یکی
دیگر در فقره سوم و باین ترتیب اسباب اشکال
خواهد شد .

رئیس - همین کار را میکنیم - آقای مدحت السلطنه
در فقره اول اظهاری دارید ؟

مدحت السلطنه - خیر .

رئیس - در فقره اول ایرادی نیست در فقره دوم
چطور ؟ (باز مخالفی نشد) .

رئیس - در فقره سوم آقای گروسی مخالفید ؟
حاج شیخ محمد حسن - بلی بنده عرض خودم
را کردم جواب بدهند .

مخیر - بنده گمان میکنم مقصود یکی است و
اینکه میفرمایند اصلاح عبارتی است ممکن است تصحیح
شود و نوشته شود دارای شعبات ذیل است .

حاج شیخ محمد حسن - اگر مقصود یکی
است نه فقط اصلاح عبارتی است بلکه این شکل مغایر
معنی است و باید بطور صحیحی تغییر داده شود .

رئیس - در فقره چهارم مخالفی نیست ؟

مدحت السلطنه - خزانه نظام يك محل معتبری است
که در سال يك مبلغ فوق العاده باینجا وارد میشود

و باید صرف بشود و باید يك اداره مستقل علیحده
باشد که اداره محاسبات بتواند موفق شود از او
حساب بگیرد و او هم به آن حساب موفق شود بنا
بر این عرض کردم حساب و یول نباید در دست يك
نفر باشد و بایستی اداره محاسبات حواله بدهد و اداره
خزانه به پردازد و تصور میکنم در سایر نقاط هم
خزانه نظام علیحده باشد منتها در تحت تفتیش و
کنترول وزارت مالیه است و چنانچه در قانون تشکیلات
مالیه اداره خزانه را بکلی از اداره محاسبات جدا
کردیم در اینجا هم مجزا باشد که بتوانند به حساب
او رسیدگی کنند و مفتشین بتوانند تفتیش کنند
و البته اگر حساب در دست یکنفر و خزانه در دست
شخص دیگر باشد بهتر است .

مخیر - گمان می کنم اینطور نباشد که می
فرمایند و خزانه نظام را نمی توان اداره قرار داد
بجهت اینکه برای این کار جزئی نمی توانیم يك
اداره قائل شویم برای اینکه خزانه نظام فقط يك
صندوق کوچکی است که در وزارت جنك است و
یول از خزانه می آید داخل میشود و به قشون تقسیم
میشود برای این کار نمیشود يك مقدار زیادی اجزاء
و دفتر و غیره تهیه کنیم محاسبات يك دایره است
خزانه هم يك دایره دیگری است و بکلی از هم دیگر
جدا هستند منتها هر دو در تحت امر رئیس محاسبات
خواهد بود اما اینکه فرمودند اداره محاسبات حواله
میدهد اینطور نیست اداره محاسبات تشخیص می
دهد که چه مبلغ باید داد آنوقت حواله او نوشته می
میشود و وزیر داده میشود وزیر جنك حواله می
دهد اداره محاسبات نمی تواند شخصاً حواله بدهد
اینکه فرمودند در وزارت مالیه اینطور نیست ؟ عرض
میکنم وزارت مالیه باید خودش تفتیش خودش را
بکند اما در خزانه نظام اینطور نیست و از طرف وزارت
مالیه باید يك نماینده بیاورد و تفتیش کند بنا بر این ترتیب گمان
می کنم ایرادی نداشته باشد .

مدحت السلطنه - اینکه فرمودند خزانه
نظام يك صندوق کوچکی است که یول داخل آن
خواهد شد اینطور نیست و ملیونها یول داخل صندوق
نظام میشود يك چیز کوچکی نیست که يك یولی
بریزند و بعد دوباره بردارند دخل فلان دکان نیست
که دوهزار دوهزار یول در آن بریزند و بردارند
بلکه کرور و ملیون یول داخل این صندوق می
شود البته باید حساب داشته باشد و اجزاء داشته
باشد کار کن باشد که بتواند بخوبی موفق شود حساب
خود را بمحاسبات بدهد و مسلم است این اداره باید
از محاسبات خارج باشد و بنده برای این مسئله يك
پیشنهادی خواهد کرد .

حاج عز الممالک - بنده تمجب میکنم که
خزانه نظام را بخزانه داری و وزارت مالیه مربوط
میکنند درحالتی که در وزارت مالیه ترتیب محاسبات
و خزانه داری طوری است که لازم بشرح نیست و
البته آقایان ملاحظه فرموده اند که وزارت مالیه يك
محاسبات مهمی دارد و باید حساب کلیه ولایات را بدهد
ولی در وزارت جنك اینطور نیست بودجه معین
میکند که چه وجهی باید بوزارت جنك داده شود
اداره محاسبات حساب آن وجه را که وزارت مالیه
می دهد بر حسب حواله وزیر جنك مطابق آن بودجه
که از مجلس گذشته خرج میشود نگاهداری میکند

در اینصورت يك اداره محاسبات جداگانه و يك خزانه نظام جداگانه كه هر يك از آنها مأمورین علیحده بولایات بفرستند لازم نخواهد بود و غیر از خرج زیاد هیچ نتیجه دیگری ندارد و اسم خزانه نظام که از اول تاجبال معمول بوده است عبارت از صندوقی است که جزء اداره محاسبات است و هر اداره محاسباتی صندوقی هم جزو خودش است مثل اینکه مامی بیستم در مجلس یا سایر وزارتخانهها هم صندوقشان جزو محاسبات است اداره محاسبات که خودش يك جمع و خرج علیحده ندارد که ما بگوئیم چون خزانه نظام پولی وصول میکند و پولی میبرد از دایره يك محاسبات جداگانه هم داشته باشد خزانه نظام آن وجهی را که در بودجه تصویب شود میگیرد و بر حسب حواله میبرد از حساب خودش را با اداره محاسبات بدهد پس خزانه نظام که همان صندوق نظام خواهد بود باید يك شعبه از اداره محاسبات باشد

سردار معظم - اگر چه در اول وحله بنده نخواستم متعرض این مسئله بشوم زیرا قانون تشکیلات که از مجلس میگذرد باید يك چیزی باشد که زیاد از مطلب دور نیافتاده باشد اما این قانون تشکیلات که باین ترتیب نوشته میشود موقتی خواهد بود تا بعدها اصلاحات عمیق تری بشود معنی این اظهاری که آقای مدحت السلطنه کردند بر نظر فریب نیامد و بقیه بنده يك اظهار بسیار متین بود میگویند يك اداره که خودش ابوابجمی دارد نباید محاسب خودش باشد و بقیه بنده این حرف بسیار صحیح است حساب تا ابوابجمی دو تا است يك اداراتی هستند که ابوابجمی دارند و پولی در دست آنها است و يك اداره دیگری است که باید حساب آنها را نگاهدارد مثلا اداره مهمات که در وزارت جنگ است برای چیست؟ برای این است که بالاخره با احتیاجات قشونی از دو نقطه نظر نگاه کرده اند یکی از نقطه نظر تعلیمات و ترتیب است یعنی اداره نظام دارای شعبه مدارس و توپخانه و ریاده نظام و سواره نظام است و يك نظر دیگر راجع بلازم قشون است یعنی علاوه بر تعلیمات يك اداره دیگر هم در وزارت جنگ هست بمباره آخری چون قشون محتاج بيك (آتانانس) است اسس را اداره تدارکات و مهمات گذاشته ایم و همینطور که يك اداره لازم است برای سرباز کفش و کلاه تهیه کند و همینطور که تفنگ و فشنگ و سایر لوازم قشونی را باید نگاهدارد چه ضرر دارد همینطور که بحساب يك فشنگ که محل احتیاج قشون است نگاه میکنند بيك تومان پول هم بهمان نظر نگاه کنیم و بگوئیم همانطور که اداره مهمات بشبب مختلفه از قبیل قورخانه و ذخیره و تدارکات تقسیم میشود يك شعبه خزانه هم باشد که پول در اینجا ضبط شود و بالاخره محاسبات يك اداره مستقل جدائی باشد که همینطور که حساب کفش و کلاه و تفنگ و فشنگ را نگاه میدارد حساب پول را هم که ابوابجمی دیگری است نگاه بدارد علاوه يك مسئله دیگر هم نباید فراموش شود این است که خزانه نظام آن خزانه نیست که همیشه يك پولی ابوابجمی او باشد تصور می کنیم اگر در قانون باین طور رای بدهیم بتشکیلات و قوانین دیگری که ما داریم بر میخورد چون خزانه قشونی همیشه آن صندوقهای عمومی دولتی است که در وزارت مالیه موجود است و با افراد قشونی

چه در مرکز و چه در لایات مطابق آن بودجه که برای آنها پیش بینی شده است تأدییه میشود یعنی حواله آنها را مطابق بودجه وزیر مالیه امضاء میکند و میفرستد بوزارت جنگ و در داخله وزارت جنگ بر حسب امضای وزیر جنگ تقسیم میشود و چون اگر باین نقطه نظر نگاه کنیم مسئله خیلی کوچک میشود در ابتداء متعرض نشدم ولی اساسا منافات نخواهد داشت که خزانه نظام جزء محاسبات نباشد

مخبر - همینطور که آقای سردار معظم تشریح کردند بنده هم خیال داشتم عرض کنم که خزانه نظام بآن تفصیلی که آقای مدحت السلطنه میفرمایند نیست در حقیقت يك صندوقی است که آنچه درخواست از طرف وزارتخانه بخرانه میبرد از آنجا وجهش باین صندوق میاید و با نظر مقتضی که از طرف وزارت مالیه معین میشود با افراد تقسیم میشود پس برای اینمطلب نمیشود يك اداره قائل شد در صورتیکه محاسبات جزئی را خودش نگاه میدارد و محاسبات کلی با اداره محاسبات خواهد بود و نظر باینکه اگر پول و جنس در دست يك نفر بود ممکن بود حسابش بانظوری که لازم است مرتب نباشد لهذا نظر وزارت جنگ و کمیسیون نظام اینطور اقتضا کرد که خزانه نظام با اداره محاسبات باشد و داخل در تدارکات نشده باشد یعنی اداره تدارکات هر قدر پول لازم دارد از وزیر جنگ میخواهد وزیر جنگ هم بخرانه نظام حواله میدهد و خزانه نظام میبرد از باین جهت در کمیسیون اینطور نوشته شد حالا هم شور اول است ممکن است آقایان پیشنهاد های خودشان را بنویسند بکمیسیون بفرستند تا کمیسیون اصلاحات خودش را بکند

محل الدوله - از همه چیز بهتر تجربه با معلوم میکنند که تفکیک خزانه نظام چه فایده خواهد داشت و بنده با تجاری که دارم هیچ نمیتوانم قبول کنم خزانه نظام جزء اداره محاسبات باشد بجهت اینکه ما باید تشخیص بدهیم که آیا صندوق نظام است یا خزانه نظام اگر فقط آن را يك صندوق نظام فرض کنیم یعنی محاسب و تعویلهای هر دو را يکی فرض کنیم دیگر ذکر دایره و شعبه برای اولای نیست اما اگر خزانه نظام فرض کنیم یعنی او را در ردیف يکی از تعویلهای جنسی مثل ذخیره و تدارکات فرض کنیم یعنی کسی است که وجوهاتی که ابوابجمی او میشود قبض و ستم میدهد در موقعی که میخواهد بپردازد بوجه حوالجاتی که وزیر جنگ امضاء میکند در داخله خواهد کرد و او را يك شعبه دایره فرض کنیم آنوقت هیچ مناسب نیست جزو اداره محاسبات باشد زیرا (بطور خلاصه عرض میکنم) همان حال را پیدا خواهد کرد که الان دارد یعنی بعد از اینکه مبالغ کثیری بوزارت جنگ داده ایم الان نمیدانیم چه داده ایم وجه خرج شده و حسابش کجا است بنا بر این بنده تصور میکنم برای وزارت جنگ يك خزانه دار نظام لازم است و گمان میکنم اینطور که آقای حاج مرالمالك فرمودند (که شعبات مختلف در ولایات خواهد داشت و اسباب خرج خواهد شد) نباشد و بقیه دارم در ولایات هر قسمتی و هر فوج و هر کوردار و هر دیویزیون خودش تعویلهای دار و محاسب نظامی خواهد داشت و هیچ مربوط بمرکز نخواهد بود و امیدوارم آن عادات قدیم که داشتیم که در هر ولایاتی

اداره محاسبات و يك لشکر نویسی باشی و يك رئیس محاسبات و لشکر نویسی و معاون داشته باشیم منسوج بشود و محاسبات جزء خود فوج باشد این تشکیلات تشکیلات مرکزی وزارت جنگ است و وزارت جنگ يك اداره محاسباتی دارد که همانطور که از اداره مهمات و قورخانه و ذخیره حساب میکشد همانطور هم از تعویلهای نقدی حساب خواهد کشید پس اداره خزانه نظام خیلی مهم و لازم است و خیلی هم مسئله سهلی نیست و نمیشود او را کوچک فرض کرد و باید سعی کرد يك اداره مستقل جدائی باشد و در مقابل وزیر جنگ مسئول باشد و اداره محاسبات بتواند از احوال بگردود جمع و خرج او را معلوم کند

معاون وزارت جنگ - اینکه نماینده محترم فائزات و سیستان اظهار فرمودند وزارت جنگ در این چند ساله بواسطه بی ترتیبی نتوانسته است حساب بدهد بنده قبول نمیکنم و همانطوریکه ایشان متوسل بتجارت شدند بنده هم متوسل بتجارت میشوم در موقع وزارت جنگ آقای مصمصم السلطنه خزانه داری مستر شوستر بایک نظر سوئی خزانه نظام را لغو کردند و از آن روز که خزانه نظام را لغو کردند ریشه نظام از این ممالک کنده شد بنده هیچ نمیتوانم تصدیق کنم وزارت جنگ که دارای شعبات و تصمیحات متعدده است هر صاحب منصبی توپره گدائی بر دارد و برود پیش فلان صندوقدار مملکت یا پیش فلان خزانه دار کل بیگانه اداره جهادیه که باید مکاتبات و خزانه اش با خودش باشد وزارت جنگ است در همه جای دنیا معمول است خزانه و مکارمه نظام بخلاف سایر دوائر مملکت و سایر وزارتخانهها با خودش است معلوم است وزارت مالیه در این قبیل موارد همه جا حق کنترل دارد ولی اداره نظام باید خزانه دار علیحده داشته باشد مثلا تصور فرمائید این اداره نقددار جنس دارد يك خزانه داری از طرف شخص وزیر جنگ که مسئول مملکت است آنها را در دست داشته باشد و بحواله وزیر بپردازد چنانچه دیدیم هر وقت وزارت جنگ بواسطه امنیت يك نقطه خواست يك قسمت بایک عده را بماموریت بفرستند نظر باینکه آن کسی که باید این پول را بدهد بنظر یاتی نیامد و سخته وارد میاید و بهمین طریق در این چهار ساله ریشه نظام کنده شد و بقیه بنده بهترین نکته لایحه وزارت جنگ عین مسئله است و اما اگر مملکت نظام و وزارت جنگ لازم دارد باید خزانه هم داشته باشد حالا این خزانه بکجا منسوب مربوط باشد تصور میکنم از نقطه نظر اقتصاد و جریان امر باید جزو محاسبات کل چنانچه آن دقعه عرض کردم در تحت نظر مستقیم و مسئولیت شخص وزیر جنگ خواهد بود اگر این خزانه جزو (آتانانس) یعنی جزو تدارکات و مهمات باشد ممکن است بکثرتی که رئیس این اداره است و باید يك مقداری ملبوس تهیه کند و مهمات و چیزهای دیگر که لازمه قشون است تهیه کند از آن طرف حسب الحواله حقوق افراد را هم بدهد آنوقت شاید بقیه خودش فلان پول را صرف تدارکات کند و برای حقوق فلان مأمور یا فلان قسمت پولی باقی نماند این است سکه بقیه بنده خزانه نظام باید بکجائی باشد که قسمت اداریش مربوط

بمحاسبات باشد و قسمت تقدیش مربوط بشخص وزیر جنگ باشد

رئیس - گویا مقصود آقای معاون از اداره جهادیه خدمت اجباری است که در نظام معمول است مذاکرات گویا در دفتر چهارم کافی است در دفتر پنجم مخالفتی نیست؟

سردار معظم - چنانکه عرض کردم بنده مخالفم اینکه اسم صحبه نظام را اداره بگذاریم عقیده ام این است که خوب است (صحبه نظام) اکتفا کنیم یعنی نه اداره صحبه بگوئیم نه دایره صحبه و تعیین اسمش را بعمل و اگذار کنیم و در تقسیمات شب آنها هم بر رضانه ها و دواخانهها مخالفت بجهت این است که ما فقط يك بر رضانه نظامی داریم این هم اهمیت ندارد که وزارت جنگ يك اداره مخصوصی بنام اداره کردن بر رضانهها و دواخانههای نظامی تشکیل بدهد پس بهترین است در دفتر پنجم (صحبه نظام) اکتفا کنیم

مخبر - بنده هم تصور میکنم ضرری ندارد که صحبه نظام نوشته شود زیرا اینکه میفرمایند امروز يك بر رضانه بیشتر نداریم صحیح است ولی منبهدر ولایات بر رضانهها خواهیم داشت و هر فوجی برای خودش بر رضانه و دواخانه مخصوص خواهد داشت بنده نمیدانم چرا نباید اسمش را (اداره) گذاشت بجهت اینکه هر جا که يك عده قشون باشد باید شعبات این اداره باشد و البته اداره خیلی مفصلی خواهد بود

حاج شیخ اسدالله - اینکه آقای مخبر میفرمایند در ولایات شعبات برای بر رضانه ها و دواخانه های نظامی تأسیس میشود ما باید در این قانون بنظر تشکیلات مرکزی و اداراتی که در مرکز وزارت جنگ تأسیس و تشکیل میشود نگاه کنیم و اصطلاحاً اداره يك مقامی را میگویند که دارای دوائر و شعب باشد بعد از اینکه این اداره یعنی این چیزی که در مرکز تشکیل میشود دارای دوائر و شعب نباشد نمیشود او را اداره نامید و چنانکه گفته شد صحبه نظام ذکر شود کافی است زیرا صحبه نظام در مرکز وزارت جنگ نباید دارای شعبه باشد و راجع بر رضانهها باشد و يك شعبه راجع بدواخانه و باید فقط صحبه نظام نوشته شود که در همانجا هم امور بر رضانهها رسیدگی کنند و هم بدواخانهها و ممکن است از همانجا بولایات هم دستور العمل های لازمه داده شود زیرا بر این نظر اقتصادی که بنده دارم نباید يك شرح وسطی بوزارت جنگ داد که همان توسعه اسباب تعطیل کار شود بنا بر این نظر اقتصادی را نباید از دست داد و فقط يك شعبه میتواند هر دو کار را سپردگی کند و همان يك شعبه کافی است

سالمان هورزا - بنده نظریه آقایان را يك نظر افراط و تفریطی میدانم زیرا تناسب و بطور تساوی نیست اگر بنظر آقایانی که مخالفت فرمودند نظر اقتصادی است تعجب میکنم که چرا از برای محاسبات قائل باین شعبات میشوند ولی مهمات و وزارت جنگی که داران ذخیره و قورخانه و غیره است اهمیت نمیدهند و همچنین بخرانه و محاسبات که يك دایره است که در تحت اداره وزارت جنگ خیلی عالی و مرتب باشد و بهمان نسبت هم باید بر رضانه و اداره صحبه اش مرتب باشد همچنانکه بعضی ادارات وزارت جنگ ارا قائل میشوند دارای شعبات باشد برای سایر دوائر هم باید بهمان نسبت قائل شوید فرض کنید يك وزارت جنگ باین مقاماتی که از برای او فرض شده انشاء الله دولت موفق

میشود گردامه ها ردیویزیون های مرتب و منظمی تشکیل بدهد البته باید این گردامهها و دیویزیونها را دولت خیلی عالی و مرتب نگاه بدارد و مسلم است سرباز از روز اول که وارد سربازی میشود آخر عمرش زیر دست طبیب است و طبیب بیشتر از صاحب منصب محتاج است برای اینکه در موقع انتصاب سرباز باید طبیب صحت مزاج و سایر ترتیبات او را مشخص کند اگر این کار را نکنند ما نمی توانیم سرباز صحیح المزاج و کاری داشته باشیم زیرا همه ترتیبات قوه نظامی بسته به انتظام اداره صحبه است شخص صحیح المزاج مشقت نظام را میتواند متحمل شود بنا بر این بقیه بنده اگر بخواهیم نظام خوب داشته باشیم باید حفظ الصحه او را از همه چیز بیشتر اهمیت بدهیم و باید مقام حفظ الصحه را بالاتر از همه چیز بدانیم و به جزئیات حفظ الصحه باید بیشتر از کار جزئیات اهمیت بدهیم بلکه بنده مقرر دارم این هستم که این دو سه چیز از قلم افتاده است مثلا مرض خانه ها که نوشته شده است باید مدرسه طبیه نظامی هم نوشته شده باشد که در آنجا اطباء نظامی تهیه کنند حالا بعضی از آقایان که در نظر دارند اداره نباشد و میگویند زیاد است پس میفرمایند چه باشد دائره باشد؟ شبهه صحبه مطلق که صحیح نیست باید يك چیزی باشد که (تیراشی اداری) معلوم باشد اگر باید دایره باشد باید تصریح شود تا بنده هم نظریات خودم را عرض کنم باز هم تکرار میکنم اگر ما باز خوب میخواهیم باید صحبه خوب داشته باشیم زیرا که از اول سربازی گیری تا آن وقتیکه سرباز را دفن میکنند زیر دست طبیب است و باید طبیب خوب داشته باشد که تشخیص علل و امراض آنها را بتواند بدهد تا ما هم سربازهای صحیح المزاج خوب داشته باشیم

سردار معظم - تصور میکنم اگر حضرت والا در اصل موضوع قدری دقت میفرمودند خودشان را بزرحت ستایش از لزوم بر رضانه ها و گردامه ها نمیدانداختند بلکه اگر يك لایحه بودجه می آمد بمجلس که در اینجا پیش بینی میکرد که در صد نقطه از مملکت ایران بر رضانه تأسیس شود تا آنکه از روز اول که سرباز داخل قشون میشود تا دم مرگ زیر دست طبیب باشد يکی از موافقین بنده بودم و اگر موضوع مذاکره این بود که در مملکت ایران صد دواخانه ایجاد شود که افراد نظامی از بی دوائی نمیزند اول موافق بنده بودم ولی موضوع این مسئله نیست و چون ممکن است باز این مسئله مخلوط شود خیلی میل دارم قضیه تفکیک شود و برای آنکه در خارج سوء تفاهم نشود خیلی شمرده و با صدای رسای بلند میگویم که موضوع مذاکره ایجاد بر رضانهها و دواخانههای نظامی نیست موضوع مذاکره قانون تشکیلات وزارت جنگ و ایجاد يك دایره است که باید صد هزار بر رضانه یا يك بر رضانه و صد هزار دواخانه و یا يك دواخانه در اداره کند بنا بر این ممکن است این دایره يك صد هزار بر رضانه یا يك بر رضانه و صد هزار دواخانه یا يك بر رضانه و صد هزار دواخانه بکند و همچنین ممکن است يك بر رضانه را اداره کند پش معتقدین بخذف دایره یا اداره از صحبه نظام هنوز اظهار عقیده در لزوم و عدم لزوم دواخانه و بر رضانه های نظامی نمیکند و نظر افراط و تفریط بعضی اشخاص هم که با من

هم عقیده هستند در این مورد راجع بر رضانه ها و دواخانه ها نیست پس از ذکر این مقدمه و شروع به مطلب عرض میکنم در قانون موقتی ممکن است نظرها مختلف باشد و بعضیها ممکن است عقیده شان این باشد که قانون کتاب فلسفی نیست (چنانچه عقیده اکثر اهل دنیا هم همین است) و نباید چیزی را که هنوز موضوع خارجی ندارد نوشت مثلا امروز باید دید چقدر بر رضانه نظامی و چقدر دواخانه نظامی داریم بنده با يك دنیا تأسف میبینم که يك یا دو بر رضانه و يك یا دو دواخانه نظامی بیشتر نداریم بنده میبرسم آیا برای اداره کردن يك یا دو بر رضانه و برای اداره کردن يك یا دو دواخانه مقتضی است در وزارت جنگ يك اداره و سیمی تشکیل بدهیم در حالتی که بر رضانه و دواخانه های ولایات هم صورتش بعد خواهد آمد و هیچ مربوط باین لایحه نیست این لایحه يك لایحه است که تاسیسات مرکزی را پیش بینی میکند پس از این نقطه نظر که نگاه کنیم همان صرغه جوئی که ما همیشه دادش را میزیم با يك صدای رسائی بما حکم میکنند که ما ملاحظه همان صرغه جوئی را بنماییم اساس کار در مملکت ما بصرغه جوئی است باید صرغه جوئی را مقدم بر همه چیز بدانیم و اینکه میگویند خزانه نظام از محاسبات جدا باشد برای این است که اگر پولی هم از خزانه نظام خارج میشود نباید آن اداره هر گونه ابوابجمی دارد خودش همانطور حساب را نگاه بدارد و باید آن حساب ابوابجمی با هم مخلوط نشود پس این هم باز از نقطه نظر صرغه جوئی است در اینصورت بنده عرض میکنم اداره که مخصوص صحبه باشد و آن را بر رضانه و دواخانه تقسیم کنند لازم نیست و گمان میکنم برای يکی دو بر رضانه و يك دواخانه يك شعبه صحبه کافی است

سالمان هورزا - بنده میدانم نمایندگان آن اشخاصی نیستند که آقای سردار معظم میفرمایند با يك صدای رسای در فضای مجلس فریاد کنند که در خارج سوء تفاهم نشود بنده به آقای سردار معظم اطمنان میدهم که اظهارات ایشان با منکر بودن دواخانه و بر رضانه های نظامی سوء تفاهم نخواهد شد بلکه آن اشخاصی که مطلب را دقت میکنند میدانند سوء تفاهم از جای دیگر است بنده که يکی از نمایندگانم تعجب میکنم که يك وقتی آقایان نظرشان به چیزهای موجودی امروز است مثلا میگویند دو دواخانه نظامی و دو بر رضانه نظامی بیشتر نداریم بنده هم میگویم هیچ نداریم کجا است آن فوجی که شما محاسبات و مهمات از برایش میخواهید تهیه بکنید البته بعد از اینکه افواج را احضار کردند این ترتیبات لازم خواهد بود که در قانون نظام رای دادند و اولین شرط سرباز را صحت مزاج معین کردند صحت مزاج را کی تشخیص میدهد؟ نه اینکه اداره صحبه تشخیص میدهد پس چرا ما باید اداره صحبه راجح کنیم و منحصر بدو بر رضانه و دواخانه موجود امروز بکنیم اگر يك وزارت جنگ را که امروز میخواهد صد هزار قشون تهیه کند و ده هزار آن را در تهران حاضر بکند و در نظر بیاوریم آیا مطابق آن قانون که چند روز پیش رأی دادیم اولین شرط سرباز این است که صحت مزاج داشته باشد یا حفظ الصحه را

اداره صحت و اطباء نظامی تشخیص میدهند یا رئیس محاسبات تشخیص میدهد؟ البته اداره صحت اداره لازمی است و از تمام ادارات درجه جا اهمیتش زیادتر است باز هم تکرار میکنم آن اداره صحت که بنده میگویم و چون متأسفانه بنده توانم این اکثرهالم را نمیدانم فقط يك مختصر اطلاعات و معلوماتی دارم و تا بحال هم این مسئله را در مجلس عرض نکرده‌ام و نمیگویم اکثرهالم یا تمام دنیا چنین است چون اطلاعات بنده محدود است و اطلاعات سایرین غیر محدود بنا بر این موافق فکر خودم و از روی اطلاعاتی که دارم و از روی آن قانونی که آنروز رأی دادیم میگویم اگر بخواهیم سر باز بگیریم باید صحیح المزاج باشد و باید اداره صحت منظم و مرتبی داشته باشیم زیرا اگر زمان صلح باشد اداره صحت لازم است اگر زمان جنگ باشد اداره صحت لازم است و بنظر بنده تکمیل اداره صحت از برای نظام اهمیتش از هر چیز زیادتر است دقمه سیم است که باز تکرار میکنم سر باز صحیح - المزاج میتواند کارهای شاقه نظامی را بکند و الا سر باز علیل و ضعیف و دارای امراض مختلفه نمی تواند هیچ کاری بکند در این صورت باید اداره صحت همین طوریکه در این ماده نوشته شده است باشد و یکقدری بیشتر بآن اهمیت داده شود و باید يك قدری آنرا بهتر نگاهداری کنیم تا حقیقتا اگر پولی مصرف میکنیم سر بازهای رشید صحیح المزاج داشته باشیم نه اشخاص مسلول دارای امراض دیگر اینهم نمیشود مگر اینکه اداره صحت داشته باشیم و آنهم شعبات زیاد داشته باشد .

رئیس - مذاکرات در فقره پنجم کافی است یا کافی نیست؟
سردار معظم - اظهارات بنده سوء تفسیر شده است اجازه میفرمائید؟
رئیس - بفرمائید .
سردار معظم - باز هم در دقمه دوم تکرار میکنم و توضیح بدهم که کمال موافقت را با حضرت والا مباداشتم اگر مذاکره در موضوع بود چه بود **رئیس** - این توضیح نیست اگر عقیده جناب عالی را طور دیگر تفسیر کرده اند میتوانم اظهار کنید **سردار معظم** - چنانچه عرض کردم بنده کاملا موافق هستم در اینکه سر باز باید صحیح المزاج باشد ولی عرض کردم دائره یا اداره صحت نظامی که در وزارت جنگ تشکیل بشود چون ممکن است رئیس یک نفر غیر طبیب باشد لهذا رفع احتیاج ما را نمیکند و این احتیاج بتوسط ایجاد مرض خانه ها رفع می شود .
رئیس - در هر صورت گویا مذاکرات کافی است در فقره ششم هم مخالفی نیست دو فقره پیشنهاد رسیده است یکی از طرف آقای سردار معظم و دیگری از طرف آقای مدحت السلطنه فرائت میشود اگر قابل توجه شد بکمیسیون رجوع میشود آقای سردار معظم ماده الحاقیه هم که ماده دوم می شود خوانده شود .
سردار معظم - بله این ماده اول است منتها بدو ماده تقسیم شده .
رئیس - پیشنهاد آقای سردار معظم بمضمون (ذیل فرائت شد)

پیشنهاد میکنم ماده اول بشرح ذیل اصلاح و يك ماده الحاقیه اضافه شود .
 ماده اول - وزارت جنگ به تقسیمات مرکزی ذیل منقسم میگردد .
 ۱ - دایره وزارتنی مشتمل بر وزیر و معاون وزارت خانه و یامدیر کل و کابینه وزیر .
 ۲ - اداره نظام .
 ۳ - اداره مهمات .
 ۴ - اداره محاسبات .
 ۵ - صحت نظام .
 ۶ - معاذکات نظامی .
 ماده الحاقیه - کابینه وزیر بشعبه تحریریه و شعبه پرسنل اداره نظام بشعبه مکاتبات نظامی و تعلیمات عمومی و شعبه توپخانه و شعبه پیاده نظام و شعبه سواره نظام اداره مهمات بشعبه قورخانه و شعبه ذخیره و شعبه تدارکات اداره محاسبات و شعبه خزانه نظام .

پیشنهاد آقای مدحت السلطنه بنده پیشنهاد میکنم که خزانه نظام از اداره محاسبات مجزا شده و تحت مدیر و اداره علیحده اداره شود .
رئیس - آ ای سردار معظم توضیحی دارید؟
سردار معظم - توضیح همان است که عرض کردم يك قسمت این پیشنهاد بنده اصلاح عبارتی است بجهت اینکه در این قانون نوشته شده است دائره وزارتنی عبارت است از کابینه وزیر و آنهم بدو شعبه منشعب میشود که شعبه تحریریه و شعبه پرسنل باشد و معلوم نمیشود خود وزیر و معاونش جزو کدام اداره هستند و همچنین چون این قانون راجع بتشکيلات مرکزی است باید کلمه (مرکزی) در فوق اضافه شود و علاوه همچنانکه در تشکيلات وزارت مالیه و تشکيلات وزارت معارف هم گفته شده است در اینجا هم باید نوشته شود دائره وزارتنی هم مشتمل است بر وزیر و معاون یا مدیر کل پس از آن باید آن تقسیماتیکه در ماده اول ذکر شده است بدو قسمت منقسم شود بقسمت کلی در یکماده نوشته شود و تقسیمات جزئی داخلی اداره در ماده دیگری ذکر شود بنا بر این بنده تصور میکنم بهتر این است این مسئله را بکمیسیون ارجاع فرمائید که در آنجا اصلاح شود
رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید
مخبر - رای بگیریید
سردار معظم - پس بنده سؤال میکنم اگر این پیشنهاد در شد آنوقت وزیر جنگ و معاونش در جزو کدام اداره خواهد بود
مخبر - چون این پیشنهاد مفصل است بنده نمی توانم باین ترتیب قبول کنم ولی اگر فقط همان لفظ مرکزی یا مسئله وزیر جنگ و معاون بود قبول میکردم ولی این پیشنهاد بکلی اسکلت این قانون را بهم میزند
سردار معظم - پس استدعا میکنم رای بگیریید .
رئیس - آقایانی که با اصلاح آقای سردار معظم موافقتند و قابل توجه میدانند قیام نمایند .
رئیس - قابل توجه نشد اصلاح آقای مدحت -

السلطنه هم بکده دیگر خواندمی شود و توضیح میدهند (مجدداً فرائت شد)
مدحت السلطنه - مقصود بنده از این پیشنهاد این بود که چون خزانه نظام يك اداره مهمی است و مبلغ زیادی پول در آن خزانه وارد میشود با اینحال اگر در تحت يك اداره محاسبات باشد و پول و محاسبات هر دو در دست یک نفر باشد ممکن است هزار قسم حیف و میل شود لهذا این پیشنهاد را کردم اگر آقای مخبر قبول میکنند والا چون مبین نظر شخصی در مجلس هست پیشنهاد خودم را پس میگیرم .
رئیس - نمیشود گفت نظر شخصی در کار است و پیشنهادی که میشود حتماً باید قابل توجه شود .
مخبر - بنده تصور نمیکنم در اینجا نظر شخصی یا مطلب شخصی در کار باشد و البته نمایندگن هر پیشنهادی را عقیده نداشته باشند رای نخواهند داد
رئیس - حالا این پیشنهاد را قبول دارید یا خیر؟
مخبر - عرض کردم کمیسیون قبول نمیکند .
رئیس - پس رأی میگیرم آقایانی که این اصلاح آقای مدحت السلطنه را قابل توجه میدانند قیام نمایند .
رئیس - (عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد - ماده دوم فرائت میشود .
رئیس - (بمضمون ذیل فرائت شد)
 ماده دوم - ادارات مزبوره هر يك در تحت ریاست یک نفر رئیس یا مدیر کل بوده و بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت .
مدحت السلطنه - در اینجا نوشته شده که هر يك از ادارات مزبوره دارای یک نفر رئیس یا مدیر کل خواهند بود بنده میخواهم عرض کنم که مدیر کل فقط در جاهای لازم است که معاون نباشد چنانچه در سایر وزارت خانهها هم معمول است لهذا تقاضا میکنم لفظ (کل) از این ماده حذف شود .
رئیس - آقای مخبر قبول دارند لفظ (کل) حذف شود .
مخبر - بله اصلاح میشود .
رئیس - دیگر مخالفی نیست ماده سیم خوانده میشود .
رئیس - (بمضمون ذیل فرائت شد)
 ماده سیم - رؤساء و مدیران ادارات بر حسب تصویب وزیر جنگ و فرمان اعلیحضرت همایونی برقرار میشوند .
رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟
مدحت السلطنه - اینجا نوشته شده است (بر حسب تصویب وزیر جنگ) عرض میکنم تصویب درجه دوم پیشنهاد است اگر مقصودشان از کلمه تصویب در اینجا پیشنهاد است باید این کلمه تبدیل به (پیشنهاد) شود زیرا چنانکه عرض کردم تصویب کلمه است در درجه دوم و بعد از پیشنهاد (تصویب) استعمال میشود .
رئیس - آقای مخبر قبول میفرمائید .
مخبر - بلی صحیح است .
ادیب السلطنه - گمان میکنم باید همان لفظ تصویب باشد زیرا پیشنهاد را کسی خداوند کرد پیشنهاد در موقعی است که بوزیر جنگ بشود زیرا در

فرمانهم وقتی نوشته میشود میبایستند به تصویب وزیر جنگ .
مدحت السلطنه - بنده گمان میکنم در اینجا باید (بر حسب تمین وزیر جنگ) نوشته شود .
مخبر - بیاید بکمیسیون اصلاح میشود .
مدحت السلطنه - بسیار خوب .
رئیس - دیگر ایرادی نیست ماده چهارم خوانده میشود .
رئیس - (بقرار ذیل فرائت شد)
 ماده چهارم - مدیران دوائر و رؤساء شعبات و سایر اعضاء ادارات و دوائر وزارت جنگ بتصویب رؤسای ادارات متبوعه و بعکم وزارتنی منصوب میشوند
مدحت السلطنه - دو باره یاد آوری میکنم که این کلمه تصویب قسمت دوم پیشنهاد است و اگر بجای تصویب (پیشنهاد) نوشته شود این اشکال کاملاً مرتفع میشود زیرا اینجا کاملاً جای پیشنهاد است و کلمه تصویب جا ندارد .
رئیس - آقای مخبر قبول میفرمائید .

مخبر - بلی این همان لفظ است فرق نمیکند بیاید بکمیسیون .
رئیس - اینهم بکمیسیون میرود ماده پنجم خوانده میشود .
رئیس - (بمضمون ذیل خوانده شد)
 ماده پنجم وزیر جنگ نظامنامه وظایف ادارات و دوائر قشونی را تهیه کرده بعد از تصویب هیئت دولت و فرمان اعلیحضرت همایونی بموقع اجرا خواهد گذاشت .
رئیس - در این ماده مخالفی نیست؟
مدحت السلطنه - در این ماده مخالفی نیست (مخالفی نشد و عبارت ذیل خوانده شد)
 ماده ششم حذف شد و باید جزء بودجه شود .
رئیس - ماده ششم پیشنهاد دولت است .
مخبر - بلی ماده ششم معلق بود باینکه در مرکز يك باب مدرسه نظام دائر شود در کمیسیون مذاکره شد که دائر شدن يك مدرسه نظامی در مرکز مربوط بقانون تشکيلات وزارت جنگ نیست و راجع به بودجه است که باید بمجلس پیشنهاد شود و همینقدر که بودجه از مجلس گذشت یکی دو باب یا هر چه لازم باشد مدرسه نظامی دائر خواهد شد

باین جهت ماده ششم که در لایحه تشکيلات وزارت جنگ بود در کمیسیون حذف شد در ماده دیگر هم که ماده هفتم بود معین کرده بودند يك عده از قشون در مرکز و بعضی نقاط حاضر کنند چون آنهم مربوط بقانون تشکيلات نبود حذف شد .
رئیس - در ماده ششم کمیسیون که نوشته اند وزیر جنگ مأمور اجرای این قانون است مخالفی هست یا نیست؟
آصف الممالک - اینمطلب معین است که هر قانونی را مجلس باید تصویب بکند بنا بر این در اول ماده که نوشته شده (پس از تصویب مجلس) بگر ذکرش لازم نیست فقط باید نوشته شود وزیر جنگ مأمور اجرای این قانون است .
رئیس - اینهم بیاید بکمیسیون؟
مخبر - بلی اینمطلب عیناً از لایحه وزارت جنگ نقل شده است اینهم در کمیسیون اصلاح میشود .
رئیس - دد دقیقه تنفس داده میشود .
رئیس - در اینموقع هم حضار برای تنفس خارج شده و پس چند دقیقه ختم جلسه اعلان شد)